

مسلمانان، بیمارستان‌ها و آموزش پزشکی

محمدعلی ابوعلی

کلیدواژه‌ها: بیمارستان احمد بن طولون، بیمارستان منصور، بیمارستان قیروان، بیمارستان نوری.

بیمارستان‌های مسلمانان

یک‌هزار سال پیش شهری بود با مردمی مسلمان که بیمارستانی بزرگ داشت در محاصرهٔ باغ‌ها و بستان‌ها. دروازه‌های این بیمارستان به‌روی همه گشوده بود و در آن شاهزاده و رعیت، پیر و جوان، فقیر و غنی، مرد و زن همه با ابزارهایی پیشرفته به رایگان درمان و مرخص می‌شدند. آنان که در بیمارستان بستری نمی‌شدند، سهمیهٔ رایگان داروهای روزانهٔ خود را نیز دریافت می‌کردند.

این بیمارستان فقط بیمارستان نبود، بلکه مأمنی بود برای افراد نیازمند، بیماران، بی‌خانمانان و اشخاص ناتوان. با این همه، دولتی نبود، بلکه از سوی شماری از افراد خیرخواه برای استفادهٔ همگان وقف شده بود. با وجود این، نمی‌توان ادعا کرد که نخستین

بیمارستان‌ها را مسلمانان ساخته‌اند. چون یونانی‌ها پیش از مسلمانان بیماران را در مکان‌هایی که «معبدهای شفا» می‌نامیدند، جمع می‌کردند. اما معبدهای شفا با آنچه امروز بیمارستان می‌نامیم و بیمارستان‌های مسلمانان نمونه‌هایی از آن‌ها بودند، تفاوت بسیار داشتند. درمان بیماران در معبدهای شفا بیشتر بر قضا و قدر و معجزه متکی بود، در حالی که در بیمارستان‌های مسلمانان کاوش‌های علمی و عملی در زمینهٔ پزشکی رواج داشته است.

یکی از نخستین بیمارستان‌های واقعی مسلمانان که در سال‌های ۲۵۹ هـ. در قاهره بنا شد، بیمارستان احمد بن طولون نام داشت. این بیمارستان را که در ضمن دانشکده

پزشکی هم بود، احمد بن طولون حاکم مصر و شام ساخت. کتابخانهٔ این بیمارستان بالغ بر یکصد هزار جلد کتاب در زمینهٔ علوم گوناگون داشت. همهٔ بیماران در این بیمارستان، به رایگان درمان می‌شدند. این بیمارستان دو باب حمام داشت، یکی برای مردان و دیگری برای زنان و بخشی از آن نیز به بیماران روانی اختصاص داشت. بیمارستان احمد بن طولون مطابق با معیارهای امروزی ما مؤسسه‌ای بسیار پیشرفته بود. بیماران هنگام ورود و

بیماران هنگام ورود و پیش از بستری شدن لباس‌های عادی و اشیای قیمتی خود را به مسئولان بیمارستان تحویل می‌دادند، تا از آن‌ها نگهداری کنند و لباس مخصوص بیماران را می‌پوشیدند

پیش از بستری شدن لباس‌های عادی و اشیای قیمتی خود را به مسئولان بیمارستان تحویل می‌دادند، تا از آن‌ها نگهداری کنند و لباس مخصوص بیماران را می‌پوشیدند. بیمارستان بغداد که بزرگ‌تر از بیمارستان طولون بود و در سال ۱۷۱ هـ. ق. ساخته شد، بیست و چهار پزشک کشیک داشت. این بیمارستان به شیوهٔ بیمارستان ایرانی گندی‌شاپور ساخته شده بود و با آن همکاری‌هایی نیز داشت.

دمشق نیز در قرن دوازدهم بیمارستانی بزرگ‌تر به نام بیمارستان نوری داشت. براساس نوشته‌های باقی‌مانده از قرن سیزدهم، در این بیمارستان معیارهایی مدون برای انتخاب داروسازان، شکسته‌بندها،

چشم‌پزشکان و پزشکان عمومی وجود داشت. در قاهره سه بیمارستان بسیار بزرگ وجود داشت. بیمارستان منصور از بقیه معروف‌تر بود. داستان تأسیس این بیمارستان شنیدنی است. وقتی که منصور قلاوون حاکم مملوک مصر در قرن سیزدهم هنوز ولیعهد بود، در مأموریتی نظامی در سوریه به درد شدید کلیه مبتلا شد. او را در بیمارستان نوری دمشق بستری کردند و او بهبود یافت.

او روش درمانی این بیمارستان را به اندازه‌ای خوب و مؤثر دانست که سوگند یاد کرد به محض نشستن بر تخت شاهی، بیمارستان مشابهی بسازد. او به عهد خود وفا کرد و بیمارستان منصور قاهره را بنا کرد و هدف از تأسیس این بیمارستان را چنین خلاصه کرد «من این

بیمارستان را از سوی هم‌تایان و خانوادهٔ خود، برای سربازان، شاهزادگان، از بزرگ تا کوچک، مردم آزاد و بردگان، مردان و زنان وقف می‌کنم».

در سال ۶۸۳ هـ. ق. بیمارستان منصور بیمارستانی بزرگ و مجهز بود با چهار دروازه. کادر پزشکان آن تکمیل بود و در آن تجهیزات کافی برای مراقبت از بیماران وجود داشت. کارکنان مرد در خدمت بیماران مرد و کارکنان زن را در اتاق‌های جداگانه پرستاری می‌کردند. روی تخت‌ها تشک پهن و آب روان در همه جای بیمارستان در دسترس بود. در یک قسمت از بیمارستان تالاری خاص وجود داشت که سرپزشک در آن به تدریس و سخنرانی می‌پرداخت. برای شمار بیماران

محدودیتی وجود نداشت و داروخانه عمومی به رایگان به بیماران دارو می داد که به خانه ببرند. نخستین بیمارستان‌ها بدین ترتیب در سرزمین‌های مسلمانان تشکیل شدند و به دیگر سرزمین‌ها گسترش یافتند و از یک سو به اندلس در اسپانیا و از سوی دیگر به شمال آفریقا رسیدند. بعدها صلیبیون تشکیلات مشابهی به نام مراکز مهمان‌نواز^۱ برای درمان سربازان فرانسوی ساختند. پزشکان مسلمان به ساختن بیمارستان‌های اروپا کمک می کردند. بیمارستان معروف سالرنو در جنوب ایتالیا از این گروه است.

ابن جبیر که قرن هفتم به مسافرت می پرداخت و سفرنامه می نوشت، خدمات رفاهی بیمارستان نوری را ستوده است. او گفته است که «بیمارستان جدید نوری پر رفت و آمدترین و بزرگترین بیمارستان شام است و بودجه روزانه آن ۱۵ دینار است. سرپرستی دارد که نام‌های بیماران را همراه با

جدول‌های توزیع داروهای مورد نیاز آنان، مواد غذایی و چیزهایی از این قبیل را همیشه در دست دارد. پزشکان آن صبح زود برای دیدن بیماران و نیز دستور تهیه دارو و غذای مناسب هر بیمار، بر سر کار حاضرند».

ابن جبیر در سفر سرزمین‌های مسلمانان، در هر شهر و دیار یک یا دو بیمارستان را توصیف کرده و گفته است که بیمارستان‌ها یکی از بهترین دلایل فخر و شکوه اسلام‌اند. این بیمارستان‌ها پیشرفته‌اند و فقط به دردهای بدنی نمی پردازند، بلکه در برخی مانند بیمارستان بغداد در قرن سوم که رازی در آن کار می کرد، بخش خاصی برای بیماران روانی داشت.

نهیضت ترجمه آثار پزشکی

تونس را یکی از سرچشمه‌های دانش پزشکی انسان می دانند، چون یکی از نخستین

بیمارستان‌ها که بیمارستان قیروان نام داشت، در سال ۵۰ هـ.ق در آنجا ساخته شد. بیمارستان قیروان علاوه بر این که محل انجام کارهای پزشکی بود، محل رفت و آمد پزشکان صاحب‌نظری هم بود که در تولید انبوه دانش پزشکی مشارکت داشتند و افرادی مانند کنستانتین آفریقای این دانش را به اروپا برد. اندیشمندان مسلمان و مسیحی تونس قرن یازدهم میلادی، به ترجمه دایره‌المعارف‌های پزشکی پرداختند و در دسترس اروپایی‌های لاتینی زبان قرار دادند. این امر سبب انقلابی در مطالعات پزشکی اروپا شد و نسلی از استادان برجسته پزشکی را به وجود آورد. معروف‌ترین اثر ترجمه‌های کنستانتین کتاب «کامل الصنعة الطبیه الملکی» است که علی ابن عباس مجوسی، پزشک قرن دهم، آن را نوشته است. این کتاب در سال ۱۵۱۵م. در لیون (فرانسه) و در سال ۱۵۳۶ م. در باسل (سوئیس) به چاپ رسید و یکی از بهترین آثار

نخستین بیمارستان‌ها بدین ترتیب در سرزمین‌های مسلمانان تشکیل شدند و به دیگر سرزمین‌ها گسترش یافتند و از یک سو به اندلس در اسپانیا و از سوی دیگر به شمال آفریقا رسیدند



تصویری از ابن سینا، تحت عنوان ابن سینا: شاهزاده پزشکی چاپ سال ۱۵۲۰، ایتالیا

کلاسیک پزشکان مسلمان است. کنستانتین می‌بایست اطلاعات بسیاری داشته باشد. چون او هم چنین چند کتاب در زمینه‌های رژیم غذایی، معده، مالخولیا، فراموشی، نزدیکی جنسی و از همه مهم‌تر کتاب «زاد المسافر و قوت الحاضر»^۲ را به زبان لاتینی ترجمه کرد، سینسیوس^۳ آن را به یونانی ترجمه کرد.

مسافران قرون وسطی هم مانند مسافران امروزی که در جست‌وجوی راه‌های غلبه بر بیماری‌های مزمن در طول سفر بودند، به کتابی مرجع نیاز داشتند تا در مواقع بیماری به آن مراجعه کنند. کتاب «زادالمسافر و قوت الحاضر» فقط برای مسافران نوشته نشده بود، بلکه کتابی سیستمی و جامع در زمینه پزشکی بود که به عنوان مجموعه‌ای از کتاب‌های درسی مورد استفاده در دانشکده‌های پزشکی و دانشگاه‌های سالرنو^۴، مونته‌پلیه^۵، بولونیا^۶، پاریس و آکسفورد پذیرفته شد. در این کتاب توصیف قابل توجهی از آبله و سرخک موجود است.

کنستانتین تنها نبود؛ دانشجویی مسلمان داشت به نام جان ساراسنوس. او کار ترجمه کنستانتین را ادامه داد و چون هم‌چنین پزشک بیمارستان سالرنو بود، رساله‌ای درباره بیماری‌های مجاری ادراری و تناسلی و تب نوشت.

آموزش پزشکی

آموزش در آن زمان مانند امروز هم گروهی بود و هم انفرادی. کلاس‌های درس در سالن‌های بزرگی در بیمارستان‌ها تشکیل می شدند و موضوع آن‌ها معمولاً خواندن یک متن پزشکی به روشی که «قرائت متون پزشکی» نامیده می شد، صورت می گرفت. پزشک یا جراح استاد پس از خواندن از دانشجویان سؤال‌هایی می پرسید.

بخش مهم دیگر آموزش پزشکی علاوه بر تدریس در گروه‌های دانشجویی دنبال کردن پزشکی یا جراح در اتاق بیماران بود. دانشجویان پیشرفته‌تر تاریخچه و سیر بیماری را که پزشک یادداشت کرده بود، مشاهده و بیمار را معاینه می‌کردند و نسخه می‌نوشتند

بسیاری از دانشجویان متنی را با پزشکی معروف مطالعه می‌کردند و چون کاغذ در جهان اسلام فراوان بود، دست‌نوشته‌های آنان تا امروز باقی مانده که روی آن‌ها نوشته شده است: «در مالکیت شخصی». این نوع متن‌ها در اروپا بسیار کمیاب بود و به ندرت به دانشجویان تعلق داشت.

بخش مهم دیگر آموزش پزشکی علاوه بر تدریس در گروه‌های دانشجویی دنبال کردن پزشکی یا جراح در اتاق بیماران بود. دانشجویان پیشرفته‌تر تاریخچه و سیر بیماری را که پزشک یادداشت کرده بود،

ابن جبیر در سفر سرزمین‌های مسلمانان، در هر شهر و دیار یک یا دو بیمارستان را توصیف کرده و گفته است که بیمارستان‌ها یکی از بهترین دلایل فخر و شکوه اسلام‌اند

مشاهده و بیمار را معاینه می‌کردند و نسخه می‌نوشتند.

یکی از این مدارس پزشکی، بیمارستان نوری دمشق بود. این بیمارستان را ابوالمجدد الباهلی به فرمان نورالدین ابن زنگی حاکم سده دوازدهم آن دیار و به نام او ساخت، آن

را با مقدار زیادی غذا و دارو تجهیز کرد و تعداد بسیار زیادی کتاب پزشکی به آن اهدا کرد که در سالن خاصی چیده شده بودند.

این بیمارستان

به مکانی برای شکوفایی علم پزشکی تبدیل شد. در آغاز سده سیزدهم طبیعی به نام الدخوار که نسخه با دستمزد کم در بیمارستان نوری کار می‌کرد، به شهرت دست یافت و از دستمزدهایی که از بیماران خصوصی دریافت می‌کرد، بیمارستانی در آن شهر ساخت.

بسیاری از نوپزشکانی که از مدارس پزشکی فارغ‌التحصیل شده بودند و نیز پزشکان و کارکنان بیمارستان گاه در حضور نورالدین جمع می‌شدند، درباره موضوع‌های پزشکی بحث می‌کردند و گاه به سخنرانی‌های سه

ساعتی ابوالمجدد که برای دانشجویانش ایراد می‌کرد، گوش می‌سپردند. در میان پزشکان مشهور مسلمان که از این مدارس پزشکی فارغ‌التحصیل شدند،

ابن ابی عصبیه تاریخ‌دان طب در سده دوازدهم و ابن نفیس کاشف گردش کوچک خون بودند. ابن نفیس در سده سیزدهم برای درک فیزیولوژی بدن انسان گامی به جلو برداشت.

بنابراین، می‌توان باور کرد که در یک‌هزار

سال پیش شهری بود با مردمی مسلمان که بیمارستانی بزرگ داشت در محاصره باغ‌ها و بستان‌ها. دروازه‌های این بیمارستان به روی همه گشوده بود و در آن شاهزاده و رعیت، پیر و جوان، فقیر و غنی، مرد و زن همه با ابزارهایی پیشرفته به رایگان درمان و مرخص می‌شدند. وجود چنین بیمارستانی در یک‌هزار سال پیش خواب و خیال و توهم نیست.

منابع برای مطالعه بیشتر

۱. ابن ابی اصیبعه، موفق‌الدین ابوالعباس احمد بن قاسم سعدی خزرجی، عیون الایباء طبقات الطباء، تصحیح نزار رضا، چاپ بیروت
۲. ابن العبری، غریغوریوس ابوالفرج اهرن، تاریخ مختصر الدول، ترجمه دکتر محمدعلی تاج‌پور، دکتر حشمتا... ریاضی، اطلاعات ۱۳۶۴
۳. اشیپولر، برتولد، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ترجمه جواد فلاطوری، علمی فرهنگی، ۱۳۷۳
۴. پژوهش دانشگاه کمبریج، جلد چهارم، تاریخ ایران (از فروپاشی دولت ساسانیان تا آمدن سلجوقیان)، امیرکبیر ۱۳۸۱
۵. زرین کوب، عبدالحسین، تاریخ ایران بعد از اسلام، امیرکبیر ۱۳۸۳
۶. سامی، علی، سیرفرهنگ ایران در قرون اول و دوم هجری و تاثیر آن در تمدن اسلامی دوره ۹، ش ۱۰۲ و ۱۰۳ (فروردین و اردیبهشت ۵۰)، ۴۴-۴۶
۷. کریستین سن، آرتور، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، دنیای کتاب، ۱۳۷۰
۸. الگود، سیریل، تاریخ پزشکی ایران و سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه دکتر باهر فرقانی، امیرکبیر، ۱۳۷۱
۹. محمود نجم‌آبادی، تاریخ طب در ایران پس از اسلام، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۶
۱۰. ولایتی، علی‌اکبر، فرهنگ و تمدن اسلامی، نشر معارف ۱۳۸۴

پی‌نوشت

1. Hospitaliers
۲. عنوان این کتاب در زبان لاتینی چنین است: «Viaticum peregrinantis»
3. Synesios
4. Salerno
5. Montpellier
6. Bologna